

**Nasrin Larijani**

Calendar  
Künstlerhaus Sootbörn  
009821 Projects  
2024

## Calendar

How history will be remembered or get forgotten? The calendar, this time's linear counter, with all the occasions and days, is to remind us of what and who? Is there a calendar, remembering those eliminated by history, instead of glorifying common happenings or ritual days of a society? Not only their lives and experiences are erased in urban life, but also are wiped out of archives. On the 9th of the Bahman (29th of January), Shahr-e-Nou was set in flames. I check on this park on the tenth of every month and take pictures there. Photos of changing nature, alive in springs and dead in winters. The stills remind me of "new year" calendars. Those we put on our desks every season are accompanied with an eye-catching photo. I'll select 12 photos of 12 months, and make a calendar out of this collection, one which this time doesn't rely on time of honor and glory, but merely on the time of disaster and elimination.

## تقویم

رویدادهای رخ داده در تاریخ چگونه به یاد آورده و چگونه فراموش می‌شوند؟ تقویم، این شمارشگر زمان خطی با مناسبت‌ها و روزهای یادآور چه کسانی و چه رویدادهایی است؟ آیا تقویمی هم هست که به جای آن که روزهای یادآور روزهای مناسبات افتخارآمیز جمعی یا روزهای آیینی یک جامعه باشد، رخدادها و کسانی را به یاد آورد که از صحنه تاریخ حذف شده‌اند؟ کسانی که زیستنشان و آنچه بر آنها گذشته نه تنها از کالبد شهرها پاک شده بلکه در آرشیوها هم نامی از آنها به میان آورده نمی‌شود. در تاریخ نهم بهمن "شهر نو" به آتش کشیده شد. من در دهمین روز هر ماه به این پارک می‌روم و از آنجا عکاسی می‌کنم. عکسهایی از طبیعت این پارک که در هر فصل شکلی تازه می‌یابد. در بهار زنده می‌شود و در زمستان می‌میرد. این تصاویر برای من یادآور تقویم‌های "سال نو" است. تقویم‌هایی که رومیزی هستند و هر ماه را تصویری از طبیعت زیبا همراهی می‌کند. ۱۲ عکس از ۱۲ ماهی که به آنجا می‌روم انتخاب می‌کنم و از مجموع این تصاویر تقویمی خواهم ساخت. تقویمی که این بار نه بر پایه زمان افتخار و تقدس بلکه بر پایه زمان فاجعه و حذف است.



"Calendar"

Künstlerhaus Sootbörn, Hamburg, Germany (2024)

Published by 009821 Project in collaboration with Vatttan Projects



"Calendar"  
 Künstlerhaus Sootbörn, Hamburg, Germany (2024)  
 Published by 009821 Project in collaboration with Vatttan Projects



"Calendar"

Künstlerhaus Sootbörn, Hamburg, Germany (2024)

Published by 009821 Project in collaboration with Vatttan Projects



"Calendar"  
 Künstlerhaus Sootbörn, Hamburg, Germany (2024)  
 Published by 009821 Project in collaboration with Vatttan Projects



"Calendar"

Künstlerhaus Sootbörn, Hamburg, Germany (2024)

Published by 009821 Project in collaboration with Vatttan Projects



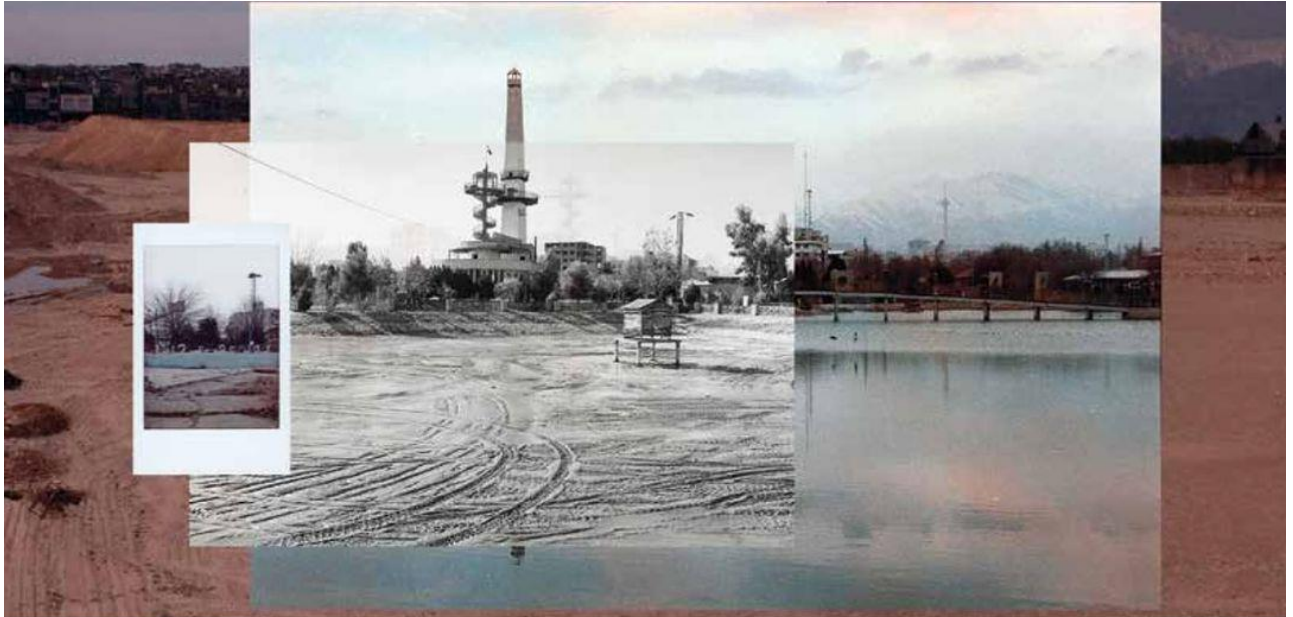
"Calendar"

Künstlerhaus Sootbörn, Hamburg, Germany (2024)

Published by 009821 Project in collaboration with Vatttan Projects



"Calendar"  
 Künstlerhaus Sootbörn, Hamburg, Germany (2024)  
 Published by 009821 Project in collaboration with Vatttan Projects



# KÜNSTLERHAUS SOOTBÖRN

## No I didn't see anything

Parisa Davoudi · Hengame Hosseini · Nasrin Larijani

Eröffnung: Freitag, 18.10.2024 um 19 Uhr

Ausstellung: 19.10.–03.11.2024,

Öffnungszeiten: Samstag & Sonntag von 15–18 Uhr

### Titelfotos: Lake Boundary

Layer 1: Municipal Executive Operations, Archival Image, 1995

Layer 2: Bahman (February), Nasrin Larijani, 2023

Layer 3: Dredging, Hengame Hosseini, 2022

Layer 4: Fall, Parisa Davoudi, 2017

Künstlerhaus Sootbörn e.V., Sootbörn 22, 22453 Hamburg, website: [www.kuenstlerhaus-sootboern.de](http://www.kuenstlerhaus-sootboern.de)











تقدیر بر تقویم منتشرشده از نسرين لاریجانی

## دوروی جدانشدنی

عسل شیروانیان  
منتقدامیرحسین رضایی چراتی  
منتقد

هم‌زمان با آغاز سال نو- روز ۲۹ اسفند ۱۴۰۲- پروژه‌ای از نسرين لاریجانی با همکاری پروژه‌های و-تن و پروژه‌های ۰۰۹۸ به انتشار رسید. مجموعه عکسی که از پارک رازی در شهر تهران و در قالب یک تقویم ارائه شده است؛ در بخشی از توضیح اثر که در فضای مجازی منتشر شد می‌خوانیم:

«رویدادهای رخ داده در تاریخ چگونه به یاد آورده و چگونه فراموش می‌شوند؟ تقویم، این شمارش‌گر زمان خطی یا مناسبت‌ها و روزهایش یادآور چه کسانی و چه رویدادهایی است؟ آیا تقویمی هم هست که به جای آن که روزهایش یادآور روزهای مناسبات افتخارآمیز جمعی یا روزهای آیینی یک جامعه باشد، رخ داده‌ها و کسانی را به یاد آورد که از صحنه‌ی تاریخ حذف شده‌اند؟ کسانی که زیستن شان و آن چه بر آن‌ها گذشته نه تنها از کالبد شهرها پاک شده بلکه در آرشیم‌ها هم نامی از آن‌ها به میان آورده نمی‌شود. در تاریخ نهم بهمن «شهر نو» به آتش کشیده شد. من در دهمین روز هر ماه به این پارک می‌روم و از آن جا عکاسی می‌کنم. عکس‌هایی از طبیعت این پارک که در هر فصل شکلی تازه می‌یابد. در بهار بنده می‌شود و در زمستان می‌میرد. این تصاویر برای من یادآور تقویم‌های «سال نو» است.»

هنرمند یکبار در ماه، در روز و ساعت مشخص، به دیدار از سوژه رفته و ثبتی انجام داده و مخاطب را برای یک ماه، مهمان آن تصویر ناب از سوژه کرده است. او به دیدار از سوژه‌ای رفته است که دیگر نیست. در شهر تهران، به دنبال شهر دیگری رفته است که وجود ندارد. شهری که نام‌اش «شهر نو» بوده، ولی کهنه و فراموش شده است. علاوه بر این، هر تصویر با متنی کوتاه همراه است که برشی از صحبت‌های با مانگان این واقعه است. جملات از گزارش تصویری که پس از واقعه آتش‌سوزی گرفته شده، اقتباس شده است. پیش از هر تحلیلی از این اثر شایسته است یادآور شوم که اگرچه تحلیل و بررسی این اثر هنری وجوه بسیاری را دربر می‌گیرد، مقصود از این نوشته بررسی کلی ایده‌ی اثر و روش ارائه‌ی آن بوده است. پرداختن به جزئیات گرافیکی تقویم طراحی شده و اجرای نهایی آن، قالب‌های عکاسی شده و دیگر موارد در حوصله‌ی این مطلب نمی‌گنجد.

در دو سطح می‌توان تلاش هنرمند برای به‌شمارش در اورش و بازیابی خاطروای از نابودی این مکان کشف‌شده در تاریخ معاصر تهران را به مدافه گذاشت. در سطح اول، هنرمند با انتخاب تصویری ارائه‌ی اثر در قالب تقویم، از تاریخ وام می‌گیرد تا معنا را به بازی خود اضافه و اتفاق پیش آمده را به خاطر، و غیاب زد آن را به فراموشی، مربوط کند. چرا که اگر به آرای فیلسوف فرانسوی، پل ریکور، توجه کنیم، گام‌شمارها از جمله تقویم‌ها تلاش بشریت در جهت معنادار کردن زمانی است که بر ما سیر می‌شود. ریکور از دو ساخت زمانی می‌کند: زمان کیهانی و زمان انسانی. زمان کیهانی زمانی است فرانسوی که از تاریخ بشریت و مقابل آن حرف می‌زند، بازه‌های چندین هزارساله دارد و از راه دانش علمی قابل کشف و اندازه‌گیری است. اما زمان انسانی علاوه بر این که با اعداد بیان‌کردنی نیست، لحظات آن از نظر کیفی نیز ویژگی‌های متمایز از یکدیگر دارد. لحظات در زمان کیهانی نوعی مکث در استمرار زمان است و هر لحظه



می‌تواند «حالا» باشد، بدون این که در آگاهی و تجربه‌ی انسانی جای گیرد. اما مفهوم «حال» در زمان انسانی دارای بعد و مناسبت زیرا در تجربه‌ی انسانی قرار می‌گیرد. در طول تاریخ تلاش شده به‌منظور درک مفهوم زمان، زمان کیهانی را به زمان انسانی نزدیک کنند. چرا که زمان کیهانی فاقد کیفیتی است که بتوان آن را در تجربه‌ی بشری اندازه‌گیری و ادراک کرد. رویدادهای تأثیرگذار در طول تاریخ در میان روزهای تقویم ثبت شده و با تکرار آن‌ها در هر دوره‌ی سالانه به لحظات خنثای زمان کیهانی اعتبار و ارزش می‌بخشد. گام‌شمار یک ساختار نمایان برای پیوند میان زمان کیهانی (که براساس علم نجوم ثبت شده) و زمان تاریخی (براساس رویدادهای تاریخی) برقرار می‌سازد (ریکور، ۱۳۷۰، ۱۱-۱۴). بنابراین گویی هنرمند تقویم را به عاریت گرفته تا نمادی باشد از به‌شمارش در اورش و معنادار کردن رویدادهای که در گذشته نگه شده است. شیوه‌ی روایت او برای تصاویر ثبت‌شده از پارک رازی کنونی که جای «شهر نو» را گرفته، شاملی از زمان را به‌صورت می‌کشد که قدم به روایت تاریخی و زمان شمارش‌شده نزدیک شود. او بی‌رحمانه سستی می‌کند این زخم را هر روز و هر ماه به مخاطب بزند. هم‌چنین میان «سال نو» که سر آغاز سال خوشبختی و آغازگر دوره‌ی شمارش روزهای تقویم ماست و فاجعه‌ی «شهر نو»، یک دوگانه‌ی معنادار می‌سازد. او هم‌چنین روز سال نو را برای زمان انتشار اثرش انتخاب می‌کند.

از سوی دیگر در سطح دوم، نظارگر تلاش دیگری از سوی هنرمند برای معنادار کردن و بازیابی زمان و مکان کم‌شده، «شهر نو» هست. سستی جملات مبراهنده با هر تصویر در هر ماه، روایت‌هایی هستند که شاه‌آخان فاجعه بر زمان آورده‌اند و بر رویداد رخ داده شهادت داده‌اند. می‌توان با اشاره به آن چه ریکور درباره‌ی مفهوم روایت بیان کرده، تحلیلی از هر ماهی هوشمندانه‌ی تصاویر مکان فراموش شده و روایت مردمان مصیبت‌خیزه با یکدیگر به دست داد. او معتقد است روایت تجربه‌ی سیال و زمان مند بشری را در قالب زمان منظم می‌آورد و هم‌آهنگ می‌کند. پیگر بندی روایی، زمان را به زمان بشری تبدیل می‌کند و حال و گذشته و آینده را معنادار می‌سازد. در این جا زمان به زمان خاطره تبدیل می‌شود که در ظرف حافظه قرار دارد و قابل درک و اندازه‌گیری است (ریکور، ۱۳۹۸، ۸۷). بنابراین ریخ مردمان گذشته از زمان خودشان، بر رخداد فراموش‌شده را به زمان بشری نزدیک کرده و مکانی که دیگر اثری از آن نیست به واسطه‌ی هویت روایی نقل شده بازیابی می‌شود. در واقع برای بازیابی آن چه رخ داده هم‌نشینی تصاویر عکاسی شده از مکان فاجعه با روایت‌های واقعی از زمان فاجعه هنر مؤلف است تا بتوانیم خاطرات تراژیک مکان را بازیابیم.

هنرمند تصویری از فردای نمایان یک فاجعه ثبت کرده است، از فردایی که هر ماه از یک فاجعه تکرار شده است ولی در تصاویر، هیچ چیز مثل فردای یک فاجعه واقعی نیست. مضموم دقیق انتخاب‌شده از سوی هنرمند، عکس، بر این موضوع صحه می‌گذارد که این تصاویر یک ثبت واقعی از یک مکان معین و در زمان مشخص است، و نه خیال پردازی. اما در عین حال فقدان برشی از واقعیت را به‌تصویر کشیده است. این که عکاس در مکان فاجعه ایستاده و عکاسی کرده ولی رزی از آن چه در مکان رخ داده نمی‌بینیم، در حقیقت او در پی به‌تصویر کشیدن فاجعه‌ای است که به‌طور دردناکی اتکار شده و مابهرانه مخاطب را با احساسات تناقض آمیزی درگیر می‌کند. این جاست که تلنگر دردناک و عمیق خود را با ظهور تصاویری پر از آرزاش و رنگ رنگی به مخاطب می‌زند. رنگی و آرامشی که نشان از غیبت آن دارد. بوستان احداث‌شده بر جای زخم خورده‌ی شهر نمادی از فراموشی می‌عویب است که ریکور به آن اشاره و مکث را در مقابل فراموشی‌ای قرار می‌دهد که با مانگان یک فاجعه برای گذر از گذشته و حرکت به سمت آینده بکار می‌آید.

ادامه در صفحه ۱۲۷

Reviewed by  
Amirhossein Rezaei Charati in  
Tajrooh Magazine, June 2024